

نه در تاسنت نداشت با زای کفنه دلانت همدلوعلی دقا و کفنه درخت خودی
کسی آنرا پیغمبره باشد بک بریزد ولی بارینازد و لکن آنرا پیغمبر آرد پس گفته من این
طریق انضرا با دی کفتم و او از شیعیان و اولاد چندی هرگز نخواستند که در این وقت
که غسل کردی فروزی بری رسیدی و برایشناخت گفت این استناد ابوعلی دقاقت
بزرگگان آمدند و استند عای دز سگند نه قول کرده الحاح بسیار کرده اند و منبر
نهادند تا وعظ گوید بمنبر با لادفت و اشارت بر است کرد و گفتنا الله اکبر و روی قضیه
کرد و گفت و وضوان من الله اکبر و بجانب چپا اشارت کرد و گفت و الله خیر لی
خون بیکبار هم آمدند و چهره برخواستند و چند کس بر جای بریزد ندانستند در این
آن مشغله از شهر فرود آمد و بر رفت بعد از آن و باطلت کردند بافتن در بدی
داشت با نه گان بسما رفتند بعبادت وی آمد و رسید که تراجه شد گفت که گشت
برخواستیم که وضو ساز هر تالی بر پشت مرا افشاند و در دست پدید آمد و نیت
در پیوسته استناد گفتن را با این فضولی چه کار که نماز شب کنی ترا نماز را زنیای خویش
دوری با بیکدیگر کسی را که ستره کند و طلال پائی نهد هرگز به نشود و چون نیت
جنس شود استین بشود هرگز بک نکرده و همدان استناد ابوعلی گفته در مناجات
خویش خداوند اول بسوا مکن که کسی از تو لا فها زده امیر سمرقند و اکثر سوا مکن
کرد و پیش مجلسی فرستاد مکرمان من چمنین سرفع صوفیان رهان و رکوه بپندارم
ده عصای بدیکه منت که من شیوه صوفیان دوست میدارم انصاه مرابا کوه

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطاهر المنيح العابد
الطيب الوفي المصطفى
الذي بعثه في هذه الامة
خاتما للنبيين والمرسلين
الذين بعثوا في الامم
والناس انما هم خصال
من خصاله
عليه افضل الصلوات
والطيبات والبركات
والرحمة والنعمة
والسلام

و عصا و سرفع سر بودی از او دیهای دوزخ دزد تا من ابلا کایدن خونهای واقف
و دران وادی فوج میکنند و بر کفنداری خویش بر گیر و ما تم با زماند کخوین
میدار تا با دی از کف بخواهد بود و حه و هتر وی گفته خداوند ادا یوان
خود بگناه سیاه کردی و تو موی ما را پرورسکا از سفید کردی ای خالوسیا ه
و سفید فضل بکن و سیاه کرده ما را در کار سفید کرده خویش کن استناد ابوعلی
قتیری پس از وفات و پراچوواب دید که بسیاری بر سرهای میکرد و میگریست گفت
ای استاده چه بگفته است مگر با کشتن بدستای بدت گفت آری ولی نه از برای
آنکه مجلس گویر اما از بهر آنکه میان دزد بند و عصای بر در میزنم و میگویم بکنید
که نمیدانید که از کباز میماند گویند در آخر عمر چند دزد را استناد پدید آمده بود
که هر آخر روزی بر نام بر آمدی و روی با فتا بن کردی و گفتی ای سرگردان مملکت
از و چون بودی و چون گذاشتی هیچ جا برانده و همین این حدیث تا می هیچ
جا از بر و زبر شدگان این واقع خبر باقی هند از مجلس میگفتی تا آفتاب فرو
شدی و گویند که سخن وی در آخر حیات چنان شد که کسی سخن او را فهم نکرده
و طاقت نمیداشت سرد هاندک هفده با هیزنه کس مجلس وی آمدی شیخ الامة
گفته است که چون ابوعلی دقا و اسحق علی شد مجلس او از خلوت خالی شد ابوعلی
الشبلی مروزی رحمه الله تعالی نام وی چنانچه محمد بن عمر بن شیوه
استکان لسان الوقت با جبین و عدله النظر بها از اخبار ابوالعباس بن سنان

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطاهر المنيح العابد
الطيب الوفي المصطفى
الذي بعثه في هذه الامة
خاتما للنبيين والمرسلين
الذين بعثوا في الامم
والناس انما هم خصال
من خصاله
عليه افضل الصلوات
والطيبات والبركات
والرحمة والنعمة
والسلام
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطاهر المنيح العابد
الطيب الوفي المصطفى
الذي بعثه في هذه الامة
خاتما للنبيين والمرسلين
الذين بعثوا في الامم
والناس انما هم خصال
من خصاله
عليه افضل الصلوات
والطيبات والبركات
والرحمة والنعمة
والسلام